

عنوان درس:

موارد استعمال صراط و سبیل در قرآن و فرق بین آن دو

ویژه جوان

ارائه محتوا جهت استفاده
مرییان، ائمه جماعت و والدین محترم
www.SalehinZn.ir



موارد استعمال صراط و سبیل در قرآن و فرق بین آن دو

خدای تعالی در کلام خود قرآن مجید، مکرر نام صراط و سبیل را برده و آنها را صراط و سبیل های خود خوانده با این تفاوت که بجز یک صراط مستقیم بخود نسبت نداده ولی سبیل های چندی را بخود نسبت داده. پس معلوم می شود میان خدا و بندگان چند سبیل و یک صراط مستقیم بر قرار است. مثلاً در باره سبیل فرموده: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» و کسانی که در راه ما جهاد کنند، ما بسوی سبیل های خود هدایتشان می کنیم» ولی هر جا صحبت از صراط مستقیم به میان آمده، آن را یکی دانسته است. از طرف دیگر جز در آیه مورد بحث که صراط مستقیم را به بعضی از بندگان نسبت داده در هیچ مورد صراط مستقیم را به کسی از خلائق نسبت نداده، بخلاف سبیل که آن را در چند جا به چند طائفه از خلقش نسبت داده. یک جا آن را به رسول خدا (ص) نسبت داده و فرموده: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي، أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ، بگو این سبیل من است که مردم را با بصیرت بسوی خدا دعوت کنم»، جای دیگر آن را به توبه کاران نسبت داده و فرموده:

«سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ، راه آن کس که بدرگاه من رجوع کند»، و در سوره نساء آیه (۱۱۵) آن را به مؤمنین نسبت داده و فرموده: «سَبِيلَ الْمُؤْمِنِينَ».

از اینجا معلوم میشود که سبیل غیر از صراط مستقیم است چون سبیل متعدد است و به اختلاف احوال رهروان راه عبادت مختلف میشود. بخلاف صراط مستقیم که یکی است که در مثل بزرگراهی است که همه راههای فرعی بدان منتهی میشود. هم چنان که آیه: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ، يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ، سُبُلَ السَّلَامِ، وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ، وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»، از ناحیه خدا بسوی شما نوری و کتابی روشن آمد که خدا بوسیله آن هر کس که در پی خوشنودی او باشد به سبیل های سلامت راهنمایی نموده و باذن خود از ظلمت ها بسوی نور بیرون می کند و بسوی صراط مستقیمشان هدایت می فرماید) به ان اشاره دارد. چون سبیل را متعدد و بسیار قلمداد نموده صراط را واحد دانسته است، حال یا این است که صراط مستقیم همه آن سبیل ها است و یا این است که آن سبیل ها همانطور که گفتیم راه های فرعی است که بعد از اتصالشان به یکدیگر بصورت صراط مستقیم و شاه راه در می آیند.

از آیه شریفه: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ، بیشترشان بخدا ایمان نمی آورند، مگر توأم با شرک» برمی آید که یک مرحله از شرک (که همان ضلالت باشد)، با ایمان (که عبارت



است از یکی از سبیل‌ها) جمع می شود و این خود فرق دیگری میان سبیل و صراط است که سبیل با شرک جمع می شود ولی صراط مستقیم با ضلالت و شرک جمع نمیشود، هم چنان که در آیات مورد بحث هم در معرفی صراط مستقیم فرمود: «وَلَا الضَّالِّينَ».

دقت در مطالب بیان شده این مطالب برداشت می شود که هر یک از سبیل‌ها با مقداری نقص و یا حداقل با امتیازی جمع میشود بخلاف صراط مستقیم که نه نقص در آن راه دارد و نه صراط مستقیم زید از صراط مستقیم عمرو امتیاز دارد، بلکه هر دو صراط مستقیم است. بخلاف سبیل‌ها، که هر یک مصداقی از صراط مستقیم است و لکن با امتیازی که بواسطه آن از سبیل‌های دیگر ممتاز میشود و غیر او می‌گردد. اما صراط مستقیمی که در ضمن این است، عین صراط مستقیمی است که در ضمن سبیل دیگر است و خلاصه صراط مستقیم با هر یک از سبیل‌ها متحد است.

صراط مستقیم نسبت به سبیل‌های خدا مثل روح است نسبت به بدن، هم چنان که از بعضی آیات نامبرده و غیر نامبرده از قبیل آیه «وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» و آیه «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا، بگو بدرستی پروردگار من، مرا بسوی صراط مستقیم که دینی است قیم و ملت حنیف ابراهیم هدایت فرموده» نیز این معنا استفاده میشود.

چون هم عبادت را صراط مستقیم خوانده و هم دین را، با اینکه این دو عنوان بین همه سبیل‌ها مشترک هستند، پس میتوان گفت مثل صراط مستقیم نسبت به سبیل‌های خدا مثل روح است نسبت به بدن. همانطور که بدن یک انسان در زندگیش اطوار مختلفی دارد و در هر یک از آن احوال و اطوار، غیر آن انسان در طور دیگر است، مثلاً انسان در حال جنین غیر همان انسان در حال طفولیت و بلوغ و جوانی و کهنوت و سالخوردگی و فرتوتی است، ولی در عین حال روح او همان روح است و در همه آن اطوار یکی است و با بدن او همه جا متحد است و نیز بدن او ممکن است به احوالی مبتلا شود که بر خلاف میل او باشد و روح او صرفنظر از بدنش آن احوال را نخواهد و اقتضای آن را نداشته باشد، بخلاف روح که هیچ وقت معرض این اطوار قرار نمی‌گیرد، چون او مفلطور بفطرت خدا است که بحکم «لَا تَبْدِيلَ لَخَلْقِ اللَّهِ»، فطریاتش دگرگون نمی‌شود و با اینکه روح و بدن از این دو جهت با هم فرق دارند در عین حال روح آن انسان نامبرده همان بدن او است و انسانی که فرض کردیم مجموع روح و بدن است.

همچنین سبیل بسوی خدا، همان صراط مستقیم است جز اینکه هر یک از سبیل‌ها مثلاً سبیل مؤمنین و سبیل منیبین و سبیل پیروی کنندگان رسول خدا (ص) و هر سبیل دیگر گاه میشود که

یا از داخل و یا خارج دچار آفتی می‌گردد. ولی صراط مستقیم همانطور که گفتیم هرگز دچار این دو آفت نمیشود. ملاحظه فرمودید که ایمان که یکی از سبیل‌ها است گاهی با شرک هم جمع میشود هم چنان که گاهی با ضلالت جمع میشود، اما هیچ یک از شرک و ضلالت با صراط مستقیم جمع نمی‌گردد. پس معلوم شد که برای سبیل مرتبه‌های بسیاری است بعضی از آنها خالص و بعضی دیگر آمیخته با شرک و ضلالت است، بعضی راهی کوتاه‌تر و بعضی دیگر دور‌تر است، اما هر چه هست بسوی صراط مستقیم می‌رود و به معنای دیگر همان صراط مستقیم است که بیانش گذشت.

خدای سبحان همین معنا یعنی اختلاف سبیل و راهپایی را که بسوی او منتهی میشود و اینکه همه آن سبیل‌ها از صراط مستقیم و مصداق آنند، در یک مثلی که برای حق و باطل زده بیان کرده، و فرموده: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً، فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا، فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا، وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ، أَوْ مَنَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ، كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ، فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً، وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ، كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ، خدا آبی از آسمان می‌فرستد، سیل‌گیرها هر یک بقدر ظرفیت خود جاری شدند، پس سیل کفی بلند با خود آورد، از آنچه هم که شما در آتش بر آن می‌دمید تا زیوری یا اثاثی بسازید نیز کفی مانند کف سیل هست، خدا این چنین حق و باطل را مثل می‌زند که کف بی فائده بعد از خشک شدن از بین می‌رود و اما آنچه بحال مردم نافع است در زمین باقی میماند خدا مثلها را اینچنین می‌زند».

بطوری که ملاحظه می‌فرمائید در این مثل ظرفیت دلها و فهم‌ها را در گرفتن معارف و کمالات، مختلف دانسته است. در عین اینکه آن معارف همه و همه مانند باران متکی و منتهی به یک رزقی است آسمانی در آن مثل یک آب بود ولی به اشکال مختلف از نظر کمی و زیادی سیل در آمد. در معارف نیز یک چیز است عنایتی است آسمانی، اما در هر دلی بشکلی و اندازه‌ای خاص در می‌آید و بالاخره این نیز یکی از تفاوت‌های صراط مستقیم با سبل است و یا بگو: یکی از خصوصیات آن است.